



بررسی وضعیت امنیت غذایی در جامعه روستایی گیلان: مطالعه مورد

شهرستان املش

حنا حداد^۱، مهرداد باقری و عبدالرسول شیروانیان^۲

mehرداد.bagheri3@gmail.com

چکیده

با توجه به نقش امنیت غذایی در تحقق امنیت ملی و علی‌رغم وجود شرایط جوی و اقلیمی مساعد در روستاهای شمال کشور، خالی از سکنه شدن روز افزون تعدادی از روستاهای گیلان پدیده‌ای است که در سال‌های اخیر پیش از پیش نمایان است. در نتیجه مطالعه حاضر به بررسی امنیت غذایی در مناطق روستایی شهرستان املش در استان گیلان می‌پردازد. به این منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی یک نمونه ۲۰۰ خانواری انتخاب و با تکمیل پرسشنامه‌های USAD اطلاعات مورد نیاز از آن جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که نرخ ناامنی غذایی در نمونه مورد مطالعه ۵۳/۵ درصد است. علاوه بر آن مشاهده شد امنیت غذایی خانوارها با درآمد ماهانه خانوار، سن سرپرست خانوار، بعد خانوار و تعداد اعضای با سواد خانوار در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معناداری دارد و همچنین میان سابقه کار سرپرست خانوار با امنیت غذایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبتی دارد. بدین ترتیب زیرساخت‌های نیازمند ارتقا برای افزایش سطح امنیت غذایی را می‌توان در حوزه بسترهای آموزشی دارای کیفیت مناسب، حمایت از افراد سالخورده، ایجاد اشتغال و افزایش سطح درآمد عنوان کرد.

طبقه بندی JEL: Q18

کلمات کلیدی: امنیت غذایی، خانوارهای روستایی، گیلان.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه پیام نور تهران

^۲ استادیار دانشگاه پیام نور تهران و استادیار سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی شیراز

مقدمه

غذا و تغذیه از جمله نیازهای بنیادی جامعه بشری بوده و تامین آن در گرو امنیت غذایی است. مقوله امنیت غذایی که امروز مورد توجه اکثر کشورهای جهان است، تاریخچه و گذشته نسبتاً درازی دارد. سرچشمه فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی و بعد از آن به اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۴ برمی گردد. اما امنیت غذایی خانوار برای اولین بار در کنفرانس بین المللی تغذیه در دسامبر ۱۹۹۲ به صورت یک مفهوم روشن و مدون و به عنوان یکی از استراتژیهای مهم در برخورد با سوء تغذیه و گرسنگی در جهان، در دهه ۱۹۹۰ میلادی و آغاز قرن ۲۱ مورد تأکید و تصویب قرار گرفت (قاسمی، ۱۳۷۳). در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد امنیت غذایی را به شرح زیر تعریف کرد: «امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید و قیمت آن» (قاسمی، ۱۳۷۳). بانک جهانی در سال ۱۹۸۶، امنیت غذایی را دسترسی همه مردم به غذای کافی در هر زمانی برای بهره مندی از زندگی سالم و پویا تعریف کرد (مکموری و کریمر لبلانک، ۱۹۹۸). معنای علمی امنیت غذایی، روشی حساب شده برای رفع مشکلات غذا و تغذیه در چارچوب تعریف شده ای برای برنامه ریزی و مدیریت توسعه است (رهبر و مبینی دهکردی، ۲۰۰۴). شدت نا امنی غذایی، طیف وسیعی را در بر می گیرد در مراحل اولیه، نگرانی در مورد تهیه غذا یعنی بعد روانی آن بروز می کند. در این مرحله هنوز خانوار با تجربه واقعی گرسنگی مواجه نشده است. در مراحل بعد این وضعیت به طور ملموس، ابتدا برای بزرگسالان و سپس برای کودکان رخ می دهد. بدین ترتیب، پس نا امنی غذایی دارای طیفی از نگرانی در مورد غذا تا تجربه گرسنگی شدید می باشد (کورتز ۲۰۰۴).

تأمین امنیت غذایی در جامعه، به عنوان یکی از شروط تحقق امنیت ملی، از وظایف اساسی دولتها در هر کشوری محسوب می شود. امنیت غذایی مفهومی چندبخشی است و مانند بسیاری از مفاهیم نوین توسعه پایدار، اجتماعی و اقتصادی ابعاد مختلفی دارد. به طوریکه امنیت غذایی از یک سو شاخص کلی برای سنجش توسعه پایدار است و از سوی دیگر برای سنجش امنیت غذایی از داده ها و شاخصهای مختلفی در زمینه فقر، تغذیه، تولیدات کشاورزی و مواد غذایی، درآمد، خوداتکایی مصرف و استفاده می شود (دینی ترکمانی، ۲۰۰۰).

با توجه به اینکه دسترسی به غذای کافی از ابتدایی ترین حقوق انسان هاست، دولت ها موظف اند اقداماتی جدی برای بهبود شرایط تغذیه ای توده مردم به عمل آورند. بنابراین تأمین امنیت غذایی، مستلزم تلاش در راستای فراهم کردن امکان دسترسی تمام خانوارها به ویژه اقشار آسیب پذیر و فقیر به مواد مغذی مورد نیاز است. به عقیده بسیاری از صاحب نظران، با توجه به نقش و جایگاه ویژه جامعه روستایی در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی و اهمیت راهبردی بخش روستایی و کشاورزی در بین بخش های اقتصادی و دلایل مهم راهبردی بودن آن قبل از همه، به کارکرد آن در تأمین غذای هر کشور مربوط می شود. اما متأسفانه روز به روز



شاهد خالی شدن روستاها از سکنه می باشیم که در این میان مناطق روستایی استان گیلان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و جمعیت برخی روستاها حتی به کمتر از ده خانوار تقلیل یافته است.

بنابراین بررسی امنیت غذایی در جامعه روستایی به عنوان سنگ بنای سلامت فکری، روانی و جسمی و تخفیف گرسنگی و محو فقر روستاییان حائز اهمیت است. از طرفی با توجه به نتایج برخی مطالعات درباره ناامنی غذایی و همچنین متفاوت بودن وضعیت ناامنی در نقاط مختلف کشور، لازم است چگونگی امنیت غذایی در هر جامعه ای به طور اختصاصی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین با آگاهی از وضعیت امنیت غذایی جامعه روستایی می توان به سیاست گذاران، متولیان برنامه های توسعه روستایی و سایر نهادهای متولی سلامت جامعه، مساعدت نمود و گام مهم و مثبتی در مسیر توسعه روستایی برداشت. لذا با توجه به ضرورت مسئله، این مطالعه به بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوار های روستایی استان گیلان می پردازد.

پیشینه پژوهش

مطالعات خارجی مختلفی به بررسی وضعیت ناامنی غذایی پرداخته اند. در این زمینه می توان به مطالعه فورنس و سیمون (۲۰۰۴) اشاره نمود که با بررسی امنیت غذایی خانوارهای کم درآمد در لس آنجلس نشان دادند که ۲۴/۴ درصد جامعه مورد بررسی ناامنی غذایی داشتند. پیاسو و میچل (۲۰۰۴) با بررسی ۱۹۹ خانوار تایلندی نشان دادند که تنها ۴۴/۲ درصد آن ها دارای امنیت غذایی و حدود ۵۶ درصد دارای ناامنی غذایی بودند. از بین خانوارهای دارای ناامنی، ۳۹/۲ درصد با ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۳/۶ درصد و با گرسنگی متوسط و ۳ درصد با گرسنگی شدید رو به رو بودند. مطالعه هادلی و همکاران (۲۰۰۷) در یک نمونه ۱۰۱ خانواری دارای کودک زیر ۵ سال از مهاجرین آفریقایی ساکن در شمال شرقی ایالات متحده آمریکا نشان داد که شیوع ناامنی غذایی در این خانوارها ۵۳ درصد بود. وهابی و همکاران (۲۰۱۱) نیز میزان ناامنی غذایی در میان مهاجران آمریکای لاتین در شهر تورنتو را ۵۶ درصد برآورد کرده اند. از مطالعات انجام شده در ایران می توان به مطالعه حکیم و همکاران (۱۳۹۱) اشاره نمود که به بررسی شیوع ناامنی غذایی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان دزفول پرداختند. نتایج آنها نشان داد که شیوع ناامنی غذایی ۳۷/۶ درصد بود و عواملی مانند سن پدر، سن مادر، تحصیلات والدین، شغل والدین، بعد خانوار و داشتن کودک زیر ۱۸ سال در خانواده بر وضعیت ناامنی غذایی تأثیر معنی دار داشتند. همینطور نتایج مطالعات صفرپور و همکاران (۱۳۹۲) در بندر انزلی نشان داد که میزان شیوع ناامنی غذایی در جامعه مورد مطالعه ۵۱ درصد است. غلامی (۱۳۹۲) در مطالعه مقطعی خود بر روی ۴۶۴۷ خانوار روستایی نیشابور میزان شیوع کلی امنیت غذایی را ۴۰/۹ درصد بیان نموده است. در نهایت مطالعه تحلیلی چراغی و همکاران (۱۳۹۴) بر روی خانوارهای روستایی شهرستان زنجان نشان داد که ۳۱/۷۳ درصد خانوارها امنیت غذ



ایی، ۴۳/۱ درصد دارای ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۵/۵۲ درصد دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۹/۶۵ درصد خانوارها دارای ناامنی غذایی با گرسنگی شدید می باشند.

مواد و روش ها

در این پژوهش مناطق روستایی شهرستان املش در استان گیلان واقع در شمال ایران به عنوان منطقه مورد مطالعه و خانوارهای روستایی این شهرستان به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. شهرستان املش با مساحت تقریبی ۳۵۰ کیلومتر مربع در فاصله ۷۵ کیلومتری شهرستان رشت و در ۱۶ کیلومتری شهرستان رودسر و لنگرود قرار دارد. جمعیت آن بالغ بر ۷۰ هزار نفر بوده و شامل دو بخش (مرکزی و رانکوه)، در دو شهر (شهر املش و رانکوه)، ۵ دهستان و ۱۴۶ روستا می باشد. روش نمونه گیری مورد استفاده در این پژوهش، روش نمونه گیری خوشه ایی دو مرحله ایی است، که در مرحله نخست، به انتخاب ده روستا از بین ۱۴۶ روستای این شهرستان مبادرت گردید. در مرحله دوم از هر روستا ۲۰ خانوار به طور تصادفی انتخاب شد. برای جمع آوری اطلاعات در این تحقیق از روش مصاحبه ای استفاده شده و ابزار اصلی سنجش اطلاعات پرسشنامه بوده است.

برای بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه و طبقه بندی آنان بر اساس میزان امنیت غذایی از پرسشنامه ۱۸ گویه ای استاندارد امنیت غذایی خانوار^۱ استفاده شد. این پرسشنامه وضعیت امنیت غذایی خانوار را در ۱۲ ماه گذشته بررسی می کند که دارای دو بخش می باشد. بخش اول برای همه خانوارها و بخش دوم برای خانوارهای دارای فرزند زیر ۱۸ سال تکمیل می شود. امتیازدهی به این پرسشنامه به شرح زیر است: به گزینه های "هرگز"، "یک تا دو ماه" و "خیر" نمره صفر و به پاسخ های "گاهی اوقات"، "اغلب"، "بعضی ماه"، "هرماه" و "بله"، نمره یک تعلق می گیرد. طبقه بندی خانوارها بر اساس امنیت غذایی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. طبقه بندی خانوارها براساس امتیاز

امنیت غذایی	کد	تعداد پاسخ های مثبت	خانوارهای دارای فرزند ۱۸ سال	خانوارهای فاقد فرزند ۱۸ سال
امن غذایی	۰	۲-۰		
ناامن غذایی بدون گرسنگی	۱	۷-۳		
ناامن غذایی با گرسنگی متوسط	۲	۱۲-۸		
ناامن غذایی با گرسنگی شدید	۳	۱۸-۱۳		۱۰-۹

منبع: درستی و همکاران (۱۳۸۷)



پرسشنامه (USAD) یکی از پرسشنامه های طرح شده توسط وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا است که در سال ۱۹۵۵ اعتبار سنجی شده و به عنوان پرسشنامه ای معتبر برای مطالعات اپیدمیولوژیکی معرفی گردیده است. این پرسشنامه وضعیت امنیت غذایی خانوار را در دوازده ماه گذشته بررسی می کند. همچنین، پرسشنامه مذکور در ایران در مطالعاتی مانند (Karam Soltani et al(2008)، (Mohamad-Zadeh et al(2010)، (sharafkhani et al(2011) به کار گرفته و اعتبار آن تایید شده است.

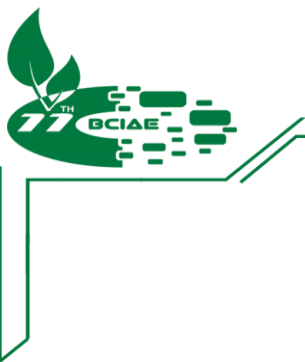
تاثیر عوامل مختلف بر امنیت غذایی به کمک نرم افزار spss16 سنجیده شد. ارتباط بین متغیرهای کمی با طبقات امنیت غذایی خانوار توسط آنالیز واریانس یکطرفه (ANOVA) و ارتباط بین متغیرهای کیفی و امنیت غذایی خانوار با آزمون chi-square مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج

نتایج آماری توصیفی پرسشنامه های استخراج شده و معرفی متغیرهای مورد استفاده مربوط به عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در جدول ۱ آورده شده است. بر طبق نتایج آماری جدول ۲ جنسیت متغیری مجازی بوده و بیان کننده این است که ۹۵ درصد سرپرست خانوار را مردان تشکیل می دهند. سن متغیری کمی و دارای میانگین ۴۵/۴۸ بوده و مقادیر حداقل ۲۲ و حداکثر ۷۶ را دربرمی گیرد. سطح سواد متغیری کیفی است و نشان می دهد که خانوارهای مورد مطالعه از نظر سطح سواد، شامل ۲۲ درصد بیسواد، ۳۴ درصد سیکل، ۲۶/۵ درصد دیپلم، ۸ درصد فوق دیپلم، ۸/۵ درصد لیسانس و ۱ درصد فوق لیسانس و بالاتر می باشند. وضعیت تأهل سرپرست خانوار متغیری مجازی است و بیان می کند که ۸۹/۵ درصد سرپرست خانوارها متأهل بوده و تنها ۱۰/۵ درصد آنان مجردند. شغل سرپرست خانوار متغیری مجازی بوده و نشان می دهد اکثریت سرپرست خانوارها دارای شغل آزاد (۷۰/۵ درصد) می باشند. تعداد اعضای خانوار، تعداد اعضای باسواد خانوار و سابقه کاری سرپرست خانوار متغیرهایی کمی هستند که میانگین های آن ها به ترتیب ۳/۲۹، ۱۶/۴۸ و ۱۸ است. وجود فرزندان زیر ۱۸ سال متغیری مجازی است و نشان می دهد که ۸۹ درصد خانوارها دارای فرزندان زیر ۱۸ سال می باشند.

جدول ۲-توصیف متغیرهای مورد استفاده در الگوی برآورد شده

متغیرهای مستقل	تعداد مشاهدات	حداقل	حداکثر	میانگین	درصد فراوانی
جنسیت	زن = ۱۰				۵
	مرد = ۱۹۰				۹۵
سن	۲۰۰	۲۲	۷۶	۴۵/۴۸	

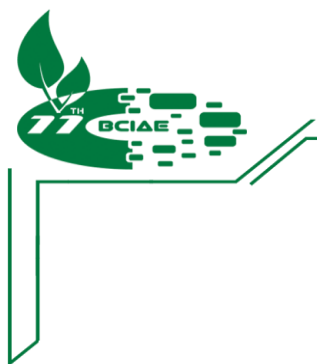


۲۲	۴۴	۰=	بیسواد	سطح سواد
۳۴	۶۸	۱=	سیکل	
۲۶/۵	۵۳	۲=	دیپلم	
۸	۱۶	۳=	فوق دیپلم	
۸/۵	۱۷	۴=	لیسانس	
۱	۲	۵=	فوق لیسانس و بالاتر	
<hr/>				
۱۰/۵	۲۱	۰=	مجرد	وضعیت تاهل
۸۹/۵	۱۷۹	۱=	متاهل	
۷/۵	۱۵	۰=	بیکار	شغل سرپرست
۲۲	۴۴	۱=	دولتی و بازنشسته	
۷۰/۵	۱۴۱	۲=	آزاد	
	۲۰۰			بعد خانوار
۳/۹۸	۱۱	۱	۲۰۰	سابقه کار
۱۶/۴۸	۶۰	۰	۲۰۰	تعداد باسوادهای خانوار
۳/۲۹	۱۱	۰	۲۰۰	فرزندان زیر ۱۸ سال
۸۹	۱۷۸	۰=	دارد	
۱۱	۲۲	۱=	ندارد	

منابع: یافته های تحقیق

بررسی خصوصیات با ویژگی های خانوارهای مورد مطالعه

نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی و خصوصیات جامعه آماری در جدول ۳ و ۴ نشان دهنده آن است که ۹۵ درصد سرپرست خانوار را مردان و فقط ۵ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند ۸۹/۵ درصد سرپرست خانوار متاهل بوده و ۷۸ درصد آنان باسواد می باشند (جدول ۳) میانگین سنی سرپرست خانوار ۴۸/۴۵ با انحراف معیار ۱۱/۵۶ بوده و آن ها در دامنه سنی ۲۲ تا ۷۶ قرار داشتند. میانگین درآمد ماهانه خانوار ۱۰۷۴۲۵۰۰ میلیون ریال با انحراف معیار ۸/۳۶ بین ۱ تا ۶۰ میلیون ریال بوده و میانگین هزینه ماهانه خانوار ۹۹۵۷۵۰۰ میلیون ریال با انحراف معیار ۶/۶۰ بین ۲ تا ۶۰ میلیون ریال می باشد (جدول ۴).



جدول ۳- وضعیت جامعه مورد بررسی

متغیر	مشاهدات	درصد فراوانی
وضعیت جنسی سرپرست خانوار	زن	۱۰
	مرد	۹۵
وضعیت جنسی کل خانوار	زن	۴۷/۳۶
	مرد	۵۲/۶۴
وضعیت تاهل سرپرست خانوار	مجرد	۱۰/۵
	متاهل	۸۹/۵
سطح سواد کل خانوار	بی سواد	۲۲
	باسواد	۷۸

جدول ۴- آماره توصیفی جامعه مورد بررسی

متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
سن سرپرست خانوار (سال)	۴۸/۴۵	۷۶	۲۲	۱۱/۵۶
درآمد سرانه خانوار (میلیون ریال)	۱۰۷۴۲۵۰۰	۶۰	۱	۸/۳۶
هزینه سرانه خانوار (میلیون ریال)	۹۹۵۷۵۰۰	۶۰	۲	۶/۶۰

منابع: یافته های تحقیق

اولویت بندی گویه های سنجش امنیت غذایی

نتایج این قسمت در جدول شماره ۵ آورده شده است. با توجه به این که اطلاعات پرسشنامه براساس دوازده ماه گذشته بود بنابراین می توان گفت که موارد "ناتوانی در تهیه وعده های غذایی متعادل و متناسب" و "نگرانی درمورد تمام شدن غذا" از مواردی بود که در دوازده ماه گذشته برای خانوارهای مورد مطالعه بیشتر اتفاق افتاده و موارد "بزرگسالان به مدت سه ماه یا بیشتر در طول تمام روز غذا نخورده اند" و "بچه ها در طول یک روز غذا نخورده اند" نسبت به سایر موارد برای خانوار روستایی کمتر اتفاق افتاده است.



جدول ۵- اولویت بندی گویه های تشکیل دهنده ی امنیت غذایی خانوار

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱	۷۷/۷۶	۰/۸۰۱	۱/۰۳	- ناتوانی در تهیه وعده های غذایی متعادل و متناسب
۲	۸۳/۴۳	۰/۸۲۶	۰/۹۹۰	- نگرانی در مورد تمام شدن غذا
۳	۸۴/۷۷	۰/۸۳۵	۰/۹۸۵	- کافی نبودن مواد غذایی خریداری شده و ناتوانی در خرید غذا
۴	۸۴/۷۸	۱/۱۷	۱/۳۸	- ناتوانی در تهیه وعده های غذایی متعادل برای بچه ها
۵	۸۵/۴	۱/۱۷	۱/۳۷	- تهیه و تدارک مواد غذایی ارزان قیمت برای بچه ها
۶	۸۷/۵۶	۰/۵۲۱	۰/۵۹۵	- حذف شدن تعدادی از وعده های غذایی توسط بزرگسالان
۷	۹۳/۹۴	۰/۵۵۹	۰/۵۹۵	- خوردن غذا در هر وعده غذایی کمتر از حد معمول
۸	۹۴/۴۹	۱/۰۳	۱/۰۹	- حذف نمودن تعدادی از وعده های غذایی بزرگسالان
۹	۱۱۶/۹	۱/۲۴	۱/۰۶	- تغذیه نشدن بچه ها به اندازه کافی
۱۰	۱۲۸/۱	۱/۴۱	۱/۱۰	- بچه ها به مدت سه ماه یا بیشتر بعضی از وعده های غذایی را حذف کرده اند
۱۱	۱۴۳/۳	۱/۱۹	۰/۸۳۰	- کاهش تعداد یا میزان وعده های غذایی بچه ها
۱۲	۱۵۱/۱	۰/۴۶۱	۰/۳۰۵	- کاهش وزن به علت نخوردن غذای کافی
۱۳	۱۵۱/۵	۱/۱۹	۰/۷۸۵	- به علت عدم توانایی خرید چند بار بچه ها گرسنه مانده اند
۱۴	۱۶۱	۱/۲۰	۰/۷۴۵	- حذف نمودن بعضی از وعده های غذایی بچه ها
۱۵	۱۶۶/۷	۰/۴۴۲	۰/۲۶۵	- احساس گرسنگی نمودن اما چیزی برای خوردن نداشتن
۱۶	۲۲۱/۱	۰/۳۷۶	۰/۱۷۰	- نداشتن مواد غذایی برای خوردن در تمام طول روز
۱۷	۲۲۷/۷	۰/۸۲۰	۰/۳۶۰	- بزرگسالان به مدت سه ماه یا بیشتر در طول تمام روز غذا نخورده اند
۱۸	۲۸۲/۷	۱/۲۳	۰/۴۳۵	- بچه ها در طول یک روز غذا نخورده اند

منابع: یافته های تحقیق

بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه

گروه بندی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای مورد مطالعه براساس امتیازات کسب شده از پرسشنامه امنیت غذایی نشان داد، ۴۶/۵ درصد خانوارها در وضعیت امنیت غذایی قرار داشتند، ۴۴/۵ درصد خانوارها در وضعیت ناامنی غذایی بدون



گرسنگی و ۹ درصد دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط بودند و خانوار ناامن غذایی با گرسنگی شدید در نمونه مورد مطالعه مشاهده نشد (جدول ۶).

جدول ۶- وضعیت امنیت غذایی خانوار

طبقه امنیت غذایی	فراوانی	درصد
امن غذایی	۹۳	۴۶/۵
ناامنی غذایی بدون گرسنگی	۸۹	۴۴/۵
ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط	۱۸	۹
ناامنی غذایی با گرسنگی شدید	۰	۰
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰

منابع: یافته های تحقیق

مقایسه ویژگی های گروه های دارای درجه امنیت غذایی

مقایسه ویژگی های کمی

نتایج به دست آمده از آنالیز واریانس یکطرفه (ANOVA) برای کشف ارتباط متغیرهای کمی با متغیر وابسته در جدول ۷ آورده شده است. بررسی ها حاکی از آن است که از نظر میزان درآمد ماهانه خانوار، تفاوت معنی داری میان خانوارهای دارای امنیت غذایی و خانوارهای دارای درجه های مختلف ناامنی غذایی وجود دارد ($F=231/30$, $P=0/000$) به طوری که خانوارهای دارای امنیت غذایی، دارای درآمد ماهانه بیشتری هستند. از سوی دیگر از نظر سن سرپرست خانوار، تفاوت معنی داری میان گروه های امنیت غذایی وجود دارد ($F=13/286$, $P=0/000$). به گونه ای که سرپرستان خانوارهای دارای ناامنی غذایی همراه با گرسنگی، میانگین سن بالاتری دارند. همچنین از نظر تعداد اعضا خانوار نیز تفاوت معنی داری میان خانوارهای دارای امنیت غذایی یا ناامنی غذایی بدون گرسنگی، با دیگر گروه ها وجود دارد ($P=0/000$, $F=24/552$). یافته های پژوهش نشان می دهند که با افزایش شمار خانوار میزان ناامنی غذایی نیز افزایش می یابد. از سویی دیگر تعداد اعضای باسواد خانوار با امنیت غذایی رابطه معناداری دارد ($F=8/309$, $P=0/000$). به این صورت که هرچه تعداد اعضای باسواد خانوارها افزایش یابد از میزان ناامنی غذایی آن ها کاسته می شود. در نهایت میان سابقه کار سرپرست خانوار با امنیت غذایی در سطح $0/05$ * نیز رابطه معناداری وجود دارد ($F=3/151$, $P<0/45$).

جدول ۷- آزمون آنالیز واریانس یکطرفه برای بررسی رابطه معناداری متغیرهای کمی با امنیت غذایی

P	F	امنیت غذایی با گرسنگی متوسط	امنیت غذایی بدون گرسنگی	امنیت غذایی	متغیر
			انحراف معیار \pm میانگین		
۰/۰۰۰	۳۰/۲۳۱	۵ \pm ۲/۸۲	۷/۴۳ \pm ۴/۷۱	۱۵۰/۲۱ \pm ۹/۶۵	درآمد سرانه خانوار (میلیون ریال)



سن سرپرست خانوار	۴۶/۲۵ ± ۱۱/۳۳	۴۸/۲۶ ± ۱۰/۶۹	۶۰/۷۲ ± ۹/۵۷	۱۳/۲۸۶	۰/۰۰۰
بعد خانوار	۳/۷۲ ± ۱/۴۰	۳/۸۴ ± ۱/۰۸	۶/۰۰ ± ۱/۵۷	۲۴/۵۵۲	۰/۰۰۰
تعداد اعضای باسواد خانوار	۳/۷۲ ± ۱/۴۰	۳/۰۴ ± ۱/۱۳	۴/۴۴ ± ۱/۶۱	۸/۳۰۹	۰/۰۰۰
سابقه کار سرپرست خانوار	۱۷/۱۳ ± ۱۱/۷۰	۱۴/۴۷ ± ۱۱/۷۵	۲۲/۵۰ ± ۲۰/۳۰	۳/۱۵۱	۰/۰۴۵

منابع: یافته های تحقیق

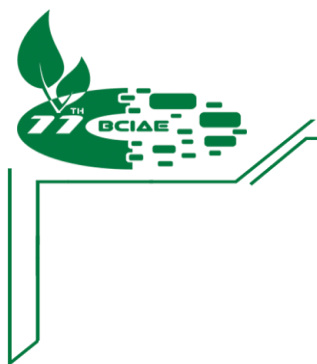
مقایس ویژگی های کیفی

- نتایج آزمون کای اسکور در جدول ۸ بیان کننده نتایج زیر است:

شغل سرپرست خانوار با امنیت غذایی رابطه معناداری دارد ($\chi^2=31/77$, $P=0/000$). یافته ها نشان دهنده آن است که خانوارهایی که سرپرستشان بیکار است امنیت غذایی نداشته و ۶۶/۷ درصد ناامنی غذایی بدون گرسنگی و ۳۳/۳ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی را دارا می باشند. درواقع بیکاری موجب از بین رفتن امنیت غذایی و ایجاد ناامنی غذایی می شود. خانوارهایی که شغل سرپرستشان دولتی یا بازنشسته است ۷۲/۷ درصد و اگر شغلشان آزاد باشد ۴۳/۳ درصد امنیت غذایی دارند. این امر نشان دهنده آن است که بیکاری موجب افزایش ناامنی غذایی می شود. بین سطح سواد سرپرست خانوار با امنیت غذایی رابطه معناداری وجود دارد ($\chi^2=68/19$, $P=0/000$). با افزایش سطح سواد میزان امنیت غذایی خانوار افزایش می یابد به گونه ای که خانوارهایی که سطح سواد سرپرستشان بیسواد و یا فوق لیسانس باشد به ترتیب ۱۳/۶ و ۱۰۰ درصد از امنیت غذایی را تجربه می کنند. بین امنیت غذایی با جنسیت سرپرست خانوار ($P=0/957$), وضعیت تاهل سرپرست خانوار ($P=0/233$) و وجود فرزندان زیر ۱۸ سال در خانوار ($P=0/208$) رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۸- آزمون chi squar برای بررسی رابطه معناداری متغیرهای کیفی با امنیت غذایی

متغیر	امنیت غذایی	ناامنی غذایی	ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط	χ^2	p
شغل سرپرست	بیکار	۰	۱۰	۵	۳/۷۷
	%۰	۶۶/۷	۳۳/۳		۰/۰۰۰



		۱	۱۱	۳۲	خانوار دولتی و
		۲/۳	٪۲۵	۷۲/۷	بازنشسته
		۱۲	۶۸	۶۱	آزاد
		۸/۵	۴۸/۲	۴۳/۳	
۰/۹۵۷	۰/۸۷۰	۱	۴	۵	جنسیت زن
		٪۱۰	٪۴۰	٪۵۰	سرپرست
		۱۷	۸۵	۸۸	خانوار مرد
		۸/۹	۴۴/۷	۴۶/۳	
۰/۰۰۰	۶۸/۱۹	۱۳	۲۵	۶	سطح سواد بیسواد
		۲۹/۵	۵۶/۸	۱۳/۶	سرپرست
		۵	۴۰	۲۳	خانوار ابتدایی و
		۷/۴	۵۸/۸	۳۳/۸	سیکل
		۰	۱۸	۳۵	دیپلم
		٪۰	٪۳۴	٪۶۶	
		۰	۲	۱۴	فوق دیپلم
		٪۰	۱۲/۵	۸۷/۵	
		۰	۴	۱۳	لیسانس
		٪۰	۲۳/۵	۷۶/۵	
		۰	۰	۲	فوق و بالاتر
		٪۰	٪۰	٪۱۰۰	
۰/۲۳۳	۲/۹۱۵	۴	۸	۹	مجرد
		٪۱۹	۳۸/۱	۴۲/۹	وضعیت
		۱۴	۸۱	۸۴	متاهل
		۷/۸	۴۵/۳	۴۶/۹	
۰/۲۰۸	۳/۱۳	۰	۹	۱۳	فرزند زیر
		٪۰	۴۹/۹	۵۹/۱	۱۸ سال
		۱۸	۸۰	۸۰	ندارد
		۱۰/۱	۴۴/۹	۴۴/۹	

منابع: یافته های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در گروه‌بندی خانوارهای مورد مطالعه براساس وضعیت امنیت غذایی نتایج پژوهش نشان داد که ۵۳/۵ درصد خانوارهای روستایی امنیت غذایی لازم را ندارند (۴۴/۵ درصد ناامنی غذایی بدون گرسنگی و ۹ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی). این نتیجه کاملاً منطبق با این فرضیه می‌باشد که نرخ امنیت غذایی در نمونه مورد مطالعه کم است. حکیم و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای که به بررسی شیوع ناامنی غذایی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان دزفول پرداختند میزان شیوع ناامنی غذایی را ۳۷/۶ درصد بیان کردند. همینطور نتایج مطالعات صفرپور و همکاران (۱۳۹۲) در بندر انزلی نشان داد که میزان شیوع ناامنی غذایی در جامعه مورد مطالعه ۵۱ درصد است. این نتایج در درجه اول، شیوع ناامنی غذایی را در درجات مختلف در مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد و در درجه بعد اختلاف موجود در شدت ناامنی می‌تواند ناشی از تفاوت شرایط جغرافیایی، اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی و عادت‌های غذایی جوامع مورد مطالعه باشد.

در بررسی امنیت غذایی خانوارهای مورد مطالعه نتایج پژوهش نشان داد که موارد "نا توانی در تهیه وعده‌های غذایی متعادل و متناسب" و "نگرانی در مورد تمام شدن غذا" از مواردی بود که در دوازده ماه گذشته برای خانوارهای مورد مطالعه بیشتر اتفاق افتاده و موارد "بزرگسالان به مدت سه ماه یا بیشتر در طول تمام روز غذا نخورده‌اند" و "بچه‌ها در طول یک روز غذا نخورده‌اند" نسبت به سایر موارد برای خانوار روستایی کمتر اتفاق افتاده است. نتایج نشان دهنده آن است که وعده‌های غذایی خانوارهای مورد مطالعه تعادل و تناسب لازم را نداشته‌اند. این موضوع برای کودکان خصوصاً در سالهای اولیه زندگی امری اجتناب‌ناپذیر است. راهکار مناسب این است که در کنار یارانه نقدی سبد کالایی متناسب نیازهای خانوار در اختیار آنان قرار گیرد تا نگرانی آنان از تمام شدن غذا را نیز کاهش دهد.

بین سطح سواد سرپرست خانوار با امنیت غذایی رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش سطح سواد میزان امنیت غذایی خانوار افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج بسیاری از مطالعات انجام شده در زمینه امنیت غذایی خانوار نظیر (دیوت، ۲۰۰۵؛ اتوکی، ۲۰۰۵؛ بنسون، ۲۰۰۷؛ مایکل و رافی، ۲۰۰۹ و نورد و پارکر، ۲۰۱۰) که نشان داده‌اند با افزایش میزان سواد سرپرست، میزان امنیت غذایی خانوار افزایش می‌یابد، همسو می‌باشد. نتایج مطالعه‌ای در مالزی هم نشان داد که سطح تحصیلات پدر با وضعیت امنیت غذایی خانوار ارتباط آماری معنی‌داری دارد (شریفی و لاین، ۲۰۰۴). وجود ارتباط بین ناامنی غذایی و سطح تحصیلات ممکن است به این علت باشد که با افزایش سطح تحصیلات والدین، آگاهی، عملکرد و نگرش آنها در مورد وضعیت تغذیه‌فرزندانشان بهبود می‌یابد. همچنین، سطح تحصیلات بالاتر می‌تواند زمینه‌ساز برای شغل بهتر و در نتیجه، وضعیت اقتصادی مطلوب‌تر فراهم کند که در نهایت به دسترسی بیشتر خانوار به مواد غذایی با کیفیت بالا منجر می‌شود. یافته‌های مطالعه حاضر نشان دهنده عدم وجود ارتباط آماری معنی‌دار بین جنس سرپرست خانوار و وضعیت امنیت غذایی است که با مطالعات جیمینز و همکاران (۲۰۰۳) و گری و همکاران (۲۰۰۶) مطابقت دارد. در مطالعه حاضر بین امنیت غذایی و وجود فرزندان زیر ۱۸ سال در خانوار رابطه معناداری وجود



ندارد. که با مطالعات (رامش و همکاران، ۱۳۸۷؛ حکیم و همکاران، ۱۳۹۱ و سعدی و وحدت مؤدب، ۱۳۹۲) ناهمخوانی دارد. بین وضعیت تاهل سرپرست خانوار با امنیت غذایی در محاسبه آماری کای اسکور رابطه معنا داری مشاهده نشد. بدین ترتیب زیرساخت های نیازمند ارتقا برای افزایش سطح امنیت غذایی را می توان در حوزه بسترهای آموزشی دارای کیفیت مناسب، حمایت از افراد سالخورده، ایجاد اشتغال و افزایش سطح درآمد عنوان کرد. توسعه امکانات در زمینه در زمینه آموزش، بهداشت و درمان، بیمه و ... موجب کاهش محرومیت خانوار های روستایی خواهد شد. این امر به نوبه خود موجب کاهش مهاجرت بی رویه روستاییان به شهر ها شده و از زاغه نشینی آنان جلوگیری به عمل می آید.

Abstract

Regarding the role of food security in the realization of national security and despite the presence of favorable climatic conditions in the villages of northern Iran, the vacillation of the increasing number of villages in Gilan is a phenomenon that has come to light in recent years. As a result, the present study examines the food safety in rural areas of Amlash city in Guilan province. For this purpose, a random sample of cluster sampling of 200 random samples was selected and the required information was collected from the USAD datasets. The results showed that the food insecurity rate in the sample was 53.5%. In addition, it was observed that food safety of households has a significant relationship with household monthly income, household head age, household size and number of members with family literacy at 99% confidence level. Also, there is a meaningful relationship between the work of the head of household with food security at 95% confidence level. Is positive. Thus, the infrastructure that needs to be upgraded to increase food security can be considered in the field of quality education, support for the elderly, job creation and higher income levels.

JEL: Q18

Keyword: Food security, Rural households, Gilan